

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

بهرام رحمانی  
۱۹ سپتمبر ۲۰۱۴

## ادعا و درس اخلاق یک مترجم

اخیراً آقای شیوا فرهمند راد، در مطلبی تحت عنوان «اخلاق بریدن و چسباندن» در وبلاگ خود و هم چنین در سایت «ایران امروز» مطلبی در باره ترجمه اشعار ناظم حکمت نوشته است که من نیز چند شعر از او را ترجمه کرده ام. نوشته شیوا فرهمند راد با اشارات چندی، بدون این که از من نامی ببرد، حاکی از آن است که گویا من ترجمه یک شعر از ایشان را در ترجمه مجموعه شعرهای ناظم حکمت از آن خود کرده ام.

ایشان نمونه ترجمه مرا ذکر کرده و مدعی شده است که من حتی علامت گذاری های او را هم تکرار کرده ام. آقای فرهمند با لحن «دلسوزه آوری» می نویسد: «سی سال پیش، در زندگانی دیگری در مینسک پایتخت بلاروس، برای گریز از دردهای روزمره، برای احساس زنده بودن، لابه لای بدبختی ها نشستم و تکه های گوناگونی از کتابی را درباره ناظم حکمت ترجمه کردم، کنار هم گذاشتم، و سرانجام نوشته ای شد با عنوان «ابعاد جهانی یک شاعر». آن را بارها ویراستم، بارها رونویسی کردم، اما ماند روی دستم تا آن که دوازده سال پیش نخستین بار به مناسبت یکصدمین زادروز ناظم حکمت در مجله نگاه نو (چاپ داخل، اردیبهشت ۱۳۸۱، شماره ۵۲) منتشر شد.»

خوب بود آقای فرهمند در باره این نکته مهم نظرش را می داد که من چرا فقط یک شعر از مجموعه ترجمه شعرهای او را کپی کرده ام و به بقیه ترجمه هایش اعتنائی نداشته ام. کتاب «ناظم حکمت، شاعر همیشه کمونیست»، دو بار تجدید چاپ شده و معرفی آن نیز در ده ها سایت اینترنتی منتشر شده است. چاپ اول این کتاب در ژوئن ۲۰۰۳ و چاپ دوم در اکتوبر ۲۰۰۳. اتفاقاً ناشر آن نیز در استکهلم انتشارات و کتابفروشی «ارزان» است. قبل از آن نیز این شعر به همراه ترجمه شعرهای دیگری از ناظم در نشریه کانون پژوهشی «نگاه»، دفتر هجدهم - مه ۲۰۰۶، منتشر شده است.

آدرس این مطلب در سایت کانون پژوهشی نگاه: <http://www.negah1.com/negah/negah18/jeld18.pdf>

آقای فرهمند راد و من در همین شهر زندگی می کنیم. من نه ایشان را می شناسم و نه تاکنون جمله ای از او خوانده ام. سؤال این است که چرا او در انتشار سه باره این شعر به همراه ترجمه سه شعر دیگر از ناظم حکمت در دفتر کانون نویسندگان در تبعید، چنین ادعائی را پیش کشیده است؟ بنابراین، واقعیت این است که من این ترجمه ها را پیش از این به انجام رسانده و آن را برای دوست عزیزم اسد رخساریان شاعر و مترجم هم، که ترک زبان و ترک تبار است فرستادم تا اگر او در این زمینه ویرایشی را لازم می داند، انجام بدهد. ایشان، حتی برای چاپ دوم این کتاب، مقدمه ای نیز نوشته است.

از این رو برای من چنین ادعائی واقعاً سنگین است و گرچه ذهنیت دائمی جان ناپلئونی ندارم، ولی نکاتی که ایشان در ادامه مطلبش آورده، مرا به تردید وامی دارد که بازی ها و گرایش های سیاسی در این زمینه نقش بازی کرده باشد؛

زیرا ایشان نوشته است که: «... با اعتصاب غذای طولانی **اکبر گنجی** در زندان جمهوری اسلامی به یاد آن افتادم، و ویرایش تازه‌ای از آن، تقدیم به اکبر گنجی، در ۲۷ جولای ۲۰۰۵ (۵ مرداد [اسد] ۱۳۸۴) در سایت ایران امروز منتشر شد...»

و البته این نکته واقعاً برای من شگفت‌انگیز است که **فرهمنده** راد شعر ناظم حکمت کمونیست را به **اکبر گنجی** پاسدار سابق و محافظ خمینی و از اصلاح‌طلبان حکومتی تقدیم کرده است و به این شکل به «فرهنگ و ادبیات؟» ارج گذاشته است.

به خصوص که آقای **فرهمنده** که در نوشته خود به طور ضمنی کوشیده تا با انتصاب این اتهام به من، کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید را هم زیر سؤال ببرد.

من بیش از این نمی‌خواهم درباره «ادعا و درس اخلاق» این مترجم سخن بگویم. و امیدوارم این مسأله فقط یک سوء تفاهم از جانب ایشان باشد.

سوم سپتمبر ۲۰۱۴